

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۹/۰۴

راه حل تیلور برای بحران «اضطراب وجودی انسان پست مدرن» چیست؟

چارلز تیلور برای اینکه انسان معاصر غربی را از بی‌پناهی، تنش وجودی و درماندگی هستی‌شناختی‌اش خارج سازد به سراغ مقوله نظم اخلاقی در مقابل نظم مسیحی و نظم مادی-ماتریالیستی رفته است.

او باور دارد نظم مسیحی در دوران مدرن به دو دلیل، آن نظم نخواهد بود که امکان فراگیری داشته باشد:

۱. ساحت‌هایی که مسیحیت به آنها ورود کرده برای بسیاری مورد قبول نیست.
۲. اساساً در جهان امروز مسیحیت به یک گزینه میان سایر گزینه‌ها تبدیل شده و امکان فراگیری ندارد.

تیلور اما نظم مادی و ماتریالیستی را هم ناتوان از ایجاد نظم فراگیر معرفی کرده چراکه باور دارد اوج لذت و اوج لیبرالیسم ما را به نوعی از ماتریالیسم و اختلاف می‌کشاند و چنانچه شما لذت‌گرای مادی و ماتریالیستی را آزاد بگذارید، اقتصاد در خشونت زایی‌اش به اوج می‌رسد و روابط انسانی به خشونت می‌گراید.

بنابراین تیلور راه نجات را در نظم سومی به نام نظم اخلاقی (عرفی، این جهانی و سکولار) جستجو می‌کند.

اما نظم اخلاقی چیست؟ نظمی است که مبتنی بر احترام متقابل به یکدیگر در زندگی دنیوی و در نظام مناسبات اقتصادی در جامعه شکل می‌گیرد. چارلز تیلور محصول این نظم را تمدن مؤدبی می‌داند که ادب آن در اقتصاد جلوه می‌کند.

اساساً همانطور که در کار تیلور نیز مشخص است، در نظم اخلاقی مدرن سعی بر آن است تا جایگزین جنگ را تجارت قرار دهند و امنیت به منظور تأمین شرایط مورد نیاز بازار فراهم شود. بنابراین امنیت یک جامعه به سود متقابلی بستگی دارد که من و شما از بازار می‌بریم و بازار خود می‌تواند یک صلح اخلاقی ایجاد کند اما نه اخلاقی که فضیلت است بلکه این بار اخلاقی که یک معامله خواهد بود.

در نتیجه اخلاق در غرب به «قانون» تبدیل شده است؛ زیرا امنیت جامعه به این اخلاق قانونی وابستگی پیدا کرده است. به همین جهت تحسین‌هایی که ما شرقی‌ها و ایرانیان از رفتارهای اخلاقی در غرب داریم غافل از این پشتوانه‌ها بوده و با ذهنیت‌های شرقی و اسلامی خودمان است که چنین برداشت‌هایی می‌کنیم.